



آیت الله جوادی آملی
عضو شورای عالی قضائی



ضرورت رسالت انبیا

شیطان علیرغم اینکه گمراه کننده و مضل است ولی در انبیاء که هدایت یافته از طرف خدا میباشند و معصوم از گناه هستند هیچ تأثیری و نفوذی ندارد و نمی تواند داشته باشد.

یاد آوری میشود که بحثهای ضرورت رسالت انبیا تهیه شده از درسهای است که حضرت آیه الله جوادی آملی در کلاسهای که دفتر تبلیغات اسلامی ترتیب داده بود بیان فرموده اند.

شروح گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خدا را شناخته، چون خدا هرگز بشر را بدون برنامه رها نمی سازد. زیرا خداوند که انسان را آفریده پرورنده انسان هم هست و پرورش او از راه اندیشه و اعتقاد و عمل صالح و اخلاق است که باید در خور روح و جان انسان باشد و هرگز نابودشدنی نیست بلکه از عالمی به عالم دیگر می رود. بنا بر این انسان اعتقاد و اندیشه ای لازم دارد و کسی باید این عقیده را مقرر سازد که ساز آینده انسان باخبر باشد.

و در کوتاه سخن، مبنای آیه برای چهار مقدمه استوار است:

۱- انسان هرگز نابود نمی شود، بلکه از این جهان به جهان دیگر منتقل میشود.

زیرا ممکن نیست خدا بشر را بیافریند و او را راهنمایی نکند. اگر خدا خالق است باید رب و پرورنده هسه باشد، بنابراین انسان باید از این ربوبیت استفاده کند برای اینکه انسان چون درخت یا حیوان نیست که فقط از مواد غذایی مادی رشد و تکامل کند. او علاوه بر جسم دارای روحی است مجرد که بیشتر باقی است و هرگز از بین نمی رود.

و به عبارت دیگر: خدا که پروردگار جهان و انسان است، باید از همین راه انسان را کامل سازد. و پرورش انسان و تکامل او از راه اندیشه و فکر، عقیده و اخلاق و عمل صالح است. پس اگر انسانی منکر وحی و رسالت بود، معلوم است که

دلیل دیگری بر ضرورت رسالت انبیا

« مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا
" مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِثْرًا مِنْ سَمَاءٍ "
" قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ
" مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ "
(سوره انعام آیه ۹۱)

آنها که خداوند را آنطوری که باید بشناسند، شناختن اندمی گویند: چیزی بر بشر نازل نشده است! بگو چه کسی کتابی که نور و هدایت برای مردم است بر موسی (ع) نازل کرده است؟! از این آیه چنین برداشت میشود که منکران وحی و نبوت، خدا را شناختند،

۲ - انسان به اندیشه و عمل صالح و اعتقاد نیاز دارد .
 ۳ - کسی که این برنامه را مقرر داشته ، باید از آینده و جهان دیگر آگاه باشد که خداوند می باشد .
 ۴ - منکر نبوت منکر خدا است .
 با این مقدمات ضرورت رسالت انبیا و رابطش با مبدء و معاد روشن میشود .

اقسام نبوت :

نبوت بر دو قسم است :
 ۱ - نبوت عامه ۲ - نبوت خاصه
 نبوت عامه اختصاص به شخص معینی ندارد و در باره اصل نبوت بحث میکند . و اما نبوت خاصه در باره نبوت اشخاص مثل حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) و انبیا دیگر بحث میکند . در نبوت خاصه عقل را راهی نیست که معلوم کند مثلا زید پیامبر است یا عمرو . . . ولی عقل ملکاتی را می فهمد و میداند که این عالم بدون پیامبر نخواهد بود و حتما خداوند برای مردم پیامبری را آفریده است . و پیامبر هم خصایص و مشخصاتی دارد از قبیل معجزه و عصمت و علم غیب و نزول وحی بر او . عقل این چیزها را به عنوان نشانهها و علائم می یابد و آن کسی که دارای این نشانهها باشد به حکم عقل پیامبر است و اگر این نشانهها را نداشته باشد پیامبر نیست . این قسمت مربوط به عقل است ولی آیا زید پیامبر است یا عمرو ، با نقل و شواهد دیگر معلوم میشود .

در باره نبوت خاصه ، آیه ۱۲۴ سوره - انعام می فرماید :
 "وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا كُنْ نُؤْمِنُ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ"

هنگامی که آیه ای بر پیامبر نازل میشد کفار می گفتند : ما ایمان نمی آوریم مگر اینکه همانند معجزه و آیاتی که بر پیامبران خدا نازل میشد بر ما نیز نازل شود .

خداوند در جواب آنها چنین میفرماید :
 "اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ"
 خدا میداند که رسالت خود را در کجا قرار دهد (و چه کسی شایسته و لایق مقام رسالت است) .

بنا بر این ، بحث در باره اینکه رسول اکرم (ص) یا حضرت موسی و حضرت عیسی شایسته است یا نه ، بحث جداگانه ای است و مربوط به نبوت خاصه است ، ولی بحث ما بیامون ضرورت رسالت انبیا است .

هدایت و عصمت انبیا :

راهنمایی که برای انسان فرستاده میشوند ، به تعبیر قرآن هدایت شده و از نعمت های خاص الهی برخوردار هستند . همواره در نمازهای یومیه ، آیه آخر سوره حمد (فاتحه) را تکرار می کنیم که (خدا یا) ما را به راه کسانی که به آنها نعمت داده ای رهنمون ساز و این راهنما را راه انبیا و اولیا الهی است

در سوره انعام آیه ۸۳ تا ۸۹ همین معنی را میرساند که خداوند آنان را هدایت کرده است . پس از ذکر نام بسیاری از انبیا می فرماید :

"أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنَّبِيَّةَ الْكُبْرَىٰ"

ما به این انبیا کتاب و حکم و نبوت دادیم . (۱)

سپس می فرماید :

"فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَاهَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ"
 اگر آنان (مشرکین) به این پیامبران ایمان نیاورند ، گروهی هستند که به اینها ایمان آورند و کفر نوزند .

آنگاه قرآن به رسول اکرم (ص) میفرماید :
 "أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ"

این انبیا کسانی هستند که خدا اینان را هدایت کرده است . و این هدایت ، هدایت

خاصه است که همراه با عصمت است و گرنه هدایت عامه خداوند شامل همه کسی و همه چیز میشود :

"إِنَّا هَدَيْنَاهُمُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرُونَ وَإِنَّا مُكْفَرُونَ"
 (آیه ۳ سوره دهر)

ما راه (حق و باطل) را به او (انسان) نشان دادیم ، چه او هدایت پذیرد یا کفران ورزد .

بنا بر این منظور از هدایتی که خداوند به پیامبران داده - و در آیه آمده است - هدایت خاصه است . بهمین جهت به پیامبر اکرم می فرماید :

"قَبِّهْدَاهُمْ اِقْتِدَةٌ"

تو نیز تابع این هدایت الهی باش نه اینکه تابع و پیرو انبیا پیشین باشی ، بلکه تو نیز همانند آنان که به وحی نکیه داشتند و بدون اجر و مزد کار می کردند ، به وحی نکیه کن و بگو :

"قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا"

"إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ"

(انعام - آیه ۹۰)

من از شما مزدی نمیخواهم جز اینکه همه جهانیان به یاد خدا باشند .

قرآن پس از ذکر هدایت خاصه میفرماید :
 "وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ،"
 "أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ"

کسی که خدا او را هدایت کند ، مضل و گمراه کننده ای ندارد . و این نفی جنس است ، یعنی جنس اضلال و گمراهی برای او نیست . بنا بر این گمراه کننده در پیامبران هیچ نفوذی ندارد و نمیتواند داشته باشد و این همان عصمت است . و ارزش عصمت از این جا فهمیده میشود ، زیرا در هدایت عامه چنین خاصیت و اثری نیست .

شیطان گمراه کننده است :

در سوره بقره آیه ۶۰ میفرماید :

"أَلَمْ أَعْبُدِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ"

"أَنْ لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ"

"عَدُوٌّ مُّبِينٌ"

ای فرزندان آدم ، مگر از شما پیمان

نگرفتیم که شیطان را نپرستید (پیــــرو شیطان نباشید) زیرا که او دشمن بزرگ شما است .

و در آیه ۶۲ از همین سوره میفرماید :
" وَ لَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا " (شیطان گمراه کننده است) و بسیاری از شما (مردم) را گمراه کرده است .

در این مقدمه چنین نتیجه می‌گیریم که شیطان مصل و گمراه کننده است و بسیاری را به گمراهی کشانده است . اینک به این صغری و کبری نیز توجه بفرمائید :

در سوره انعام - همانگونه که ذکر شد می‌فرماید : خدا انبیا را هدایت کرده است . و در سوره زمر می‌فرماید : هر کس را خدا هدایت کند گمراهی در او نفوذ ندارد و همچنین در سوره کهف آیه ۱۷ می‌فرماید :
" مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلِّ فَلَنْ تُجَدِّلَهُ وَ لِيَا مَرِثِدًا " هر که را خدا راهنمایی کند ، او بحقیقت هدایت شده است و هر که را گمراه سازد ، هرگز برای او راهنمایی نخواهی یافت .

و در سوره نسا این اوصاف را مشخص کرده است آنگاه که می‌فرماید :

" وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ " " وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا "

کسی که اطاعت خدا و پیامبر نماید ، او با کسانی است که خدا به آنان نعمت داده از پیامبران و صدیقین و شهدا و نیکوکاران ، و اینان دوستان خوبی می‌باشند .

و این نعمت همانا نعمت نبوت و هدایت خاصه و عصمت است نه نعمت مادی : (۲) در این آیه موارد " انعمت علیهم " سوره حمد مشخص و روشن شده است .

اینک ، پس از این مقدمه و صغری و کبری این نتیجه بدست می‌آید که : شیطان علی‌رغم اینکه گمراه کننده و مصل است ولی در انبیا که هدایت یافته از طرف خدا می‌باشند و معصوم از گناه هستند هیچ

تا تیر و نفوذی ندارد و نمیتواند داشته باشد . و ما هم هر روز در نمازهای یومیه‌ها خدا می‌خواهیم که راه این اشخاصی که خدا آنها را به نعمت هدایت خاصه مستعم نموده است ، یعنی راه انبیا و صدیقین و شهدا و نیکوکاران را به ما نشان دهد و ما راه همان راه هدایت کند و ما با آنان باشیم چون آنان دوستان خوبی برای انسان هستند و هرگز گمراه نمیشوند و مورد غضب و خشم خدا نیستند .

" اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ -
" الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ -
" الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ "

انبیا و مردم :

مردم در برابر راه آوردن انبیا سه دستبند :

۱ - عده‌ای آنان را رد کردند .

۲ - گروهی پذیرفتند ولی با انحراف .

۳ - عده‌ای هم بدون انحراف پذیرفتند .

در سوره فاطر آیه ۳۲ می‌خوانیم :

" ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا
" مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ
" مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ
" يَا ذَا اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ "

مردم در برابر میراث پیامبران برگزیده

خدا سه دستبند : دست‌های با انکار رسالت

به خودشان ظلم کردند چون کسی نمیتواند

به نظام الهی صدمه بزند و خداوند غنی

بالذات است .

گر جمله کائنات کافر گردند

بردا من کبریاش ننشیند گرد

" وَ اِنْ تَكْفُرُوا اَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْاَرْضِ "

" جَمِيعًا فَاِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ "

(ابراهیم - آیه ۸)

اگر شما و تمام اهل زمین کافر شوید ، به

خداوند که غنی بالذات و بی‌نیاز است

زیان نمیرسانید ، بلکه به خودتان صدمه

میزنید و ستم میکنید .

بنا بر این همانطور که گفته شد عمل به

عامل ارتباط دارد و سود و زیانش مستقیم

به خودش میرسد . مثل درخت میوه که

ثمرهاش مال خودش است و رهگذر هم احبابا از سایه‌اش استفاده می‌کند . و همچنین ثمره عمل صالح مربوط به خود انسان است .
" اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لَكُمْ نَفْسِكُمْ " " وَ اِنْ اَسَءْتُمْ فَلَهَا "

اگر نیکی کردید و عمل صالح انجام دادید برای خودتان است و اگر هم بدی کردید ، بخودتان کرده‌اید . پس :
" وَ مِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ "

نیز به‌همین جهت اطلاق میگردد یعنی انکار رسالت ظلم به خود کردن است .
" وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ "

یعنی کسانی که مقتصد اند و در راه هستند آسیبی نمیرسانند و قدرت هدایت دیگران را هم ندارند و خلاصه متوسط و میان‌برو هستند

" وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ "

و اما دسته سوم آن کسانی هستند که بشرو و پیشقدم در نیکی‌ها می‌باشند به اذن خدا و این برتری و فضیلت عظیمی است .

ادامه دارد

۱ - البته کتاب و حکم و نبوت با هم فرق دارند و هر یک معنای خاصی دارد که در جای خود مطرح میشود .

۲ - هنگامی که امیرالمؤمنین (ع) به ولایت و خلافت می‌رسد مسئله نعمت مطرح میشود : " الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي " یعنی امروز دین شما را کاملتر و نعمت خود را بر شما تمام کردم . و نعمت ولایت نیز ظاهراً به نعمت نبوت منصرف می‌شود و اطلاق می‌گردد و غرض از " نعم " در آیه " و لتستلن بومئذ عن النعم " امامت و ولایت است . امام رضا (ع) فرمود : " نحن النعم " مقصود از نعم ما اهل بیت هستیم . زیرا شأن خدا اجل از این است که ببرد نان و آب و میوه را چه کرده‌اید ؟ پس منظور از نعم این است که در اصل امامت و نبوت چه کرده‌اید ؟